

متون دینی و آثار عملی ائمه راز گشا و راهنما (۱)

نویسنده: علی اکبر نوایی

شبکه اجتهاد: جریان امامت، به عنوان عدل قرآن، تضمین کننده‌ی بقای دین، معرفی و معرفت یابی نسبت به آن است. از وجود جریان امامت است که متون راه گشایی صادر گردیده که بالندگی فرهنگ دینی و روشن شدن مفاهیم شریعت، سهمی وافر دارند. این متون هم در کنار قرآن مجید، همان اعتباری را یافته اند که کتاب خدا دارد. لذا در حدیث ثقلین هم که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، انعکاس یافته است. این متون، ذخایر معنوی تاریخ اسلامند که باید پاس داشته شوند. متونی از علی علیه السلام صادر شده است؛ فردی که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، نزدیک ترین فرد به محتوا و مضامین دین بوده است. اولین کار آن حضرت علیه السلام، تدوین خود قرآن مجید است. مصحف فاطمه از همین متون است.

بر اساس فرمایشات ائمه علیه السلام متون فراوان دیگری گرد آمده است، همچون نهج البلاغه که سید شریف رضی قدس سره، آن را گرد آورده و همچون مسند علی علیه السلام که آن را ابوعبدالله الرحمن ابن احمد گرد آورده و همچون غرر و درر آمدی که عبدالواحد آمدی را تنظیم و تدوین نموده و کتاب‌هایی نظیر صد کلمه و نثر اللالی و ... خطب علی علیه السلام در وضعیتی قرار داشته اند که مشتاقان فراوانی را به خود جذب نموده و آن‌ها را وا داشته که آن خطب را بیابند و معرفی نمایند. متونی از امام حسن مجتبی علیه السلام باقی مانده است، مانند خطبه‌هایی در الهیات و خداشناسی، خطبه‌ی ولایت و خطبه‌های سیاسی همچنین متونی از امام حسین علیه السلام صادر گردیده که در قالب سخنرانی‌ها، نامه‌ها، مصاحبه‌ها و ادعیه‌ی صادره از آن حضرت، که همچون خورشیدی تابان، تاریخ فکر شیعی را روشن نموده است. متونی از امام سجاد علیه السلام بر جای مانده است، نظیر رساله‌ی حقوق، صحیفه‌ی سجادیه و نامه به محمد بن شهاب زهری.

حوزه‌ی علمی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، مدرسه‌ی ای تاینک در گستره‌ی تاریخ فرهنگ اسلامی است و تشیع با آن شناخته می‌شود. متونی از امام موسی بن جعفر علیه السلام باقی مانده است که راه آینده‌ی حرکت شیعی را ترسیم می‌نماید. متون فراوانی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در حوزه‌های مختلف بر جای مانده است که امروزه راه و رسم مسلمانی را به خوبی تبیین می‌نماید. از امام جواد علیه السلام و امام‌هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام و همچنین از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متونی صادر گردیده که همه‌ی آن‌ها، در یک اصل کلی با هم مشارکت دارند که عبارت است از حفظ دین از اندراس، معرفی و ابلاغ دین، پاسداری از دستمایه‌های وحیانی و جلوگیری از مخاطراتی که دین را به تحریف محتوایی می‌کشاند. این متون اصول راهنمای شریعت و رمز بقای گوهر دیانت هستند. بدین روی، حفظ نهبانی و حراست از این موجودیت، همچون حفظ و حراست از موجودیت قرآن مجید بر مسلمانان فرض است.

واژگان کلیدی: شریعت، متون، معرفت، حفظ دین، خطبه، نامه، دعا، مناظره، صحیفه، رساله.

درآمدی بر نوشتار

از هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا ایدا انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» (من در میان شما دو امر سنگین و ارزشمند را باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم، تا زمانی که به آن دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد، آن دو از هم جدا نمی‌گردند تا که در حوض، بر من وارد آیند)؛ کاملاً واضح و نمایان بود که فهم کتاب خدا، بدون فهمی که از ناحیه‌ی عترت باشد، میسر نخواهد بود. این سفارش بلند نشان می‌داد که قرآن مجید به مفسر نیازمند است و نیز این پیام را دارد که عترت، در حقیقت کارشناسان اصلی وحی اند و فهم حقایق شریعت، بدون رجوع به این کارشناسان امکان ندارد و خود، انحراف از گوهر شریعت است. در واقع باید این نکته را اذعان داشت که یکی از امتیازات بزرگی که شیعه بر دیگران دارد، این است که علاوه بر متن اصلی قرآن مجید، که بدون تحریف در دست همه‌ی مسلمین قرار دارد، متنی دیگر که عدل آن شمرده می‌شود و مبین متن قرآن مجید است را در اختیار دارد. فریضه‌ی بزرگی است که یک متفکر مسلمان و شیعه، قواعد دریافت و فهم و اندیشیدن به قاعده‌ی او را پیش رو نهد و از این متون که در کنار قرآن، رموز شریعت را به نحو روشنی بیان می‌کنند، بهره‌ی کافی و وافی ببرد. احیای اندیشیدن در این متون، امری لازم، واجب و در عین حال دشوار است که باید این امر صعب و راه پر از سنگلاخ را طی نمود. در این نوشتار، اهمیت و راه‌گشا و رازگشا بودن متون را بررسی می‌نماییم.

اهمیت متون صادره از امامان علیهم السلام

معرفت دین، از معرفت‌های پایه و اولی شمرده می‌گردد، و در واقع کوششی است از ناحیه‌ی انسان، برای فهم شریعت. فهم دین مسبوق به اصول و قواعدی است که هر اصلی، شرطی لازم برای قابل فهم نمودن حقیقت شریعت است. متون ناظر به دین، از این جهت اهمیت می‌یابند که با توجه به آن‌هاست که حقیقت دین، شناخته می‌گردد. چنان که حدیث ثقلین با مفهوم عمیقی که دارد، همین نکته را یادآور می‌گردد، که امامان شیعه علیهم السلام، سنگربانان اصلی شریعت هستند و متونی که از آنان برای زمان‌های بعد تا قیامت باقی مانده است، درگذر زمان، همچنان فروزنده و راه‌گشا، طالبان حقیقت را به سوی حق و تکامل و آزادی و کرامت انسانی راهبر می‌باشد.

«ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن، بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ماست. ما مفتخریم که ائمه‌ی معصومین، از علی بن ابی طالب علیه السلام گرفته تا منجی بشر، حضرت مهدی صاحب زمان، علیهم آلاف التحیات و السلام، که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور امت است، از ما هستند. ما مفتخریم که ادعیه‌ی حیات بخش، که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند، از ائمه‌ی معصومین ماست، مانند مناجات شعبانیه‌ی امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی علیهم السلام و «صحیفه‌ی سجادیه»، این زبور آل محمد و «صحیفه‌ی فاطمیه»، که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه علیها السلام است، از ماست. ما مفتخریم که «باقر العلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام، مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ماست. ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است، که فقه ما که دریای بی پایان است، یکی از آثار او است و ما مفتخریم به همه‌ی ائمه‌ی معصومین، علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی از آنانیم» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱، ص ۱۷۱).

ذخایر معنوی امامان علیهم السلام

امامان که از جانب خداوند و پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، مأمویت یافته و مکلف شده اند که حقایق دینی را به توده‌های بشری ابلاغ نمایند، در این راه در دوره ای ۲۵۰ ساله، تلاش‌های فراوانی را صورت داده اند و برای تبیین مواضع اصیل دینی و مفاهیم عالی آن، بهترین متن‌ها و اقوال و خطبه‌ها و بیانه‌ها را از خود بر جای نهاده اند. مضاف بر این، عمل خود آنان در حوزه‌ی فردی و اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، معرفتی و ... تفسیری از گفته‌ها و نوشته‌های آن حضرات علیهم السلام است. این دوره، نقطه‌ی الهام بخش و التقای تاریخی مهمی است.

نگاهی اجمالی به متون صادره از امامان علیهم السلام

متونی که از امامان علیهم السلام باقی مانده، در واقع همان ذخایر گران سنگی است که همواره برای بشریت راهنما و رازگشا می‌باشد. در این بخش، نگاهی اجمالی به این متون می‌افکنیم.

متون بازمانده از علی علیه السلام

متونی که از علی علیه السلام بازمانده فراوانند. این متون به دو بخش تقسیم می‌شوند.

الف - متونی که خود آن حضرت، تنظیم نموده اند

این متون را حضرت علیه السلام با دست مبارک خودشان نوشته اند که می‌توان به این متون اشاره نمود.

(۱) تدوین قرآن مجید؛ امام، کتاب آسمانی و الهی را، که متن اصلی وحی است، بر حسب ترتیب نزول، گردآوری فرمودند و در عین حال از نظر فنی و تخصصی، به ذکر آیات عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عزیمت و رخصت و سنن و آداب آن پرداختند. همچنین آن حضرت علیه السلام به شأن و اسباب نزول آیات الهی اشاره فرموده اند. این کار را امام، پس از حادثه‌ی سقیفه و ماجرای غصب خلافت انجام دادند. یعنی در دوره ای که آن حضرت علیه السلام شدیداً، تحت فشار قرار دارند؛ از طرفی میراث پیامبر صلی الله علیه و آله را غارت شده می‌بینند، و از طرفی بی تفاوتی شدید جامعه را که هر دو برای آن حضرت علیه السلام، فوق العاده سخت می‌باشد.

در چنین وضعیتی، کار عاجل و فوری خود را جمع آوری، تدوین و تنظیم قرآن قرار دادند. در کلامی از آن حضرت علیه السلام نقل گردیده است: «هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جوار حق بار یافت، سوگند یاد کردم که ردا بر دوش نیفکنم تا قرآن را در میان دو جلد گرد آورم و ردا بر دوش ننهادم تا قرآن را جمع آوری نمودم».

(۲) مصحف فاطمه علیها السلام؛ پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، در فاصله‌ی رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا شهادت حضرت زهرا علیها السلام، فاصله ای هفتاد و پنج روزه تا نود و پنج روزه است، که در این مدت، فرشته‌ی وحی بر آن بانوی بزرگوار نازل می‌شده است و حقایقی رابه آن بانوی بزرگ ابلاغ می‌نموده که بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، علی علیه السلام، این مجموعه‌ی مبارک را تنظیم فرموده اند. در این جا مناسب است به سخنانی از امام خمینی قدس سره اشاره نماییم. ایشان می‌فرمایند:

«من راجع به حضرت صدیقه علیها السلام، خودم را قاصر می‌دانم ذکر می‌کنم. فقط اکتفا می‌کنم به یک روایت که در کافی شریفه است و با سند معتبر نقل شده است و آن روایت این است که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: فاطمه علیها السلام، بعد از پدرش هفتاد و پنج روز زنده بودند، در این دنیا بودند و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می‌آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می‌کرد و مسائلی از آینده نقل می‌کرد. ظاهر روایت این است که در هفتاد و پنج روز مراده ای بوده است، یعنی رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که غیر از طبقه‌ی اول از انبیای عظام علیهم السلام درباره‌ی کسی این طور وارد شده باشد که ظرف هفتاد و پنج روز جبرئیل امین رفت و آمد داشته است و مسائل را در آتیه ای که واقع می‌شده است، مسائل را ذکر کرده است و آنچه که به ذریه‌ی او می‌رسیده است در آتیه، ذکر کرده است و حضرت امیر علیه السلام هم آن‌ها را نوشته است. کاتب وحی بوده است حضرت امیر علیه السلام، همان طور که کاتب وحی رسول صلی الله علیه و آله بوده است» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۹، ص ۲۷۸).

در وصیت نامه‌ی سیاسی الهی امام خمینی قدس سره آمده است:

ما مفتخریم که ... صحیفه‌ی فاطمیه، که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ما است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱، ص ۱۷۱).

مصحف فاطمه زهرا علیها السلام، کتاب مواعظ، امثال، عبرت‌ها و آینده‌نگری‌های مربوط به اسلام و مسلمین و مسائل عدیده و متفرقه‌ی دیگر است که در سرنوشت اسلام و مسلمین سهم عظیمی داشته است، که به اشاره‌ی امام خمینی قدس سره بعید نیست حوادث مربوط به انقلاب اسلامی ایران هم در آن واقع شده باشد.

حتی درباره‌ی ائمه علیهم السلام هم من ندیده‌ام که وارد شده باشد، این طور که جبرئیل بر آن‌ها نازل شده باشد. فقط این است که برای حضرت زهرا علیها السلام است، آن که من دیده‌ام که جبرئیل به طور مکرر در این هفتاد و پنج روز وارد می‌شده و مسائل آتیه ای که بر ذریه‌ی او می‌گذشته است، این مسائل را می‌گفته است و حضرت امیر علیه السلام هم ثبت می‌کرده است و شاید یکی از مسائلی که گفته است، راجع به مسائلی است که در عهد ذریه‌ی بلند پایه‌ی او حضرت صاحب علیهم السلام است، برای او ذکر کرده است که مسائل ایران، جزو آن مسائل باشد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱، ص ۱۷۱).

به خاطر اهمیتی که این نقل از طرف امام خمینی قدس سره داشت به اصول کافی مراجعه کرده و متن حدیث امام صادق علیه السلام را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

امام صادق علیه السلام فرموده است، فاطمه علیها السلام، بعد از پیامبر هفتاد و پنج روز زنده بود و از مرگ پدرش اندوه سختی او را گرفته بود، جبرئیل نزد ایشان آمده و مرگ پدر را تعزیت می‌گفت و تسلی اش می‌داد و از حال پدرش و مقام او و آنچه بعد از وی برای ذریه اش پیش می‌آید، گزارش می‌داد و علی علیه السلام آن‌ها را می‌نوشت و تنظیم می‌فرمود.

تلاش گسترده‌ی علمی را امامان شیعه علیهم السلام پس از وجود مبارک امام علی علیه السلام، آغاز نموده و ادامه داده اند. علامه سید محسن امین در گزارش خود از تلاش‌های امامان شیعه علیهم السلام در کتاب اعیان الشیعه چنین می‌نگارد:

اهل بیت علیهم السلام، بعد از امام حسن و امام حسین علیهم السلام، به هدایت و ارشاد مردم و نشر علوم مشغول شدند و به اقامه‌ی دلیل بر توحید و اصول دین پرداختند و بر استحقاقی که بر امامت و پیشوایی داشتند، به احتجاج با دهریه و بر مخالفین خودشان به اندازه‌ای که در توان داشتند پرداختند، پس آن‌ها خوانندگان متینی بودند بر دعوت‌های دینی که اثرات عمیقی بر جای نهادند و در همین سیر هم اکثر پیروان آن‌ها و محبین و شیعیان قرار گرفته و در اکثر بلاد زمین پخش شدند و به رغم آنچه که امویان و عباسیان بودند، به مدت ششصد سال علیه آن‌ها تلاش کردند، در عین حال راه و مشی آن‌ها تا امروز باقی مانده و آن‌ها نتوانستند آثار گرانبار و گرانقدر امامان علیهم السلام را نابود کنند و همواره نامشان با عظمت برده می‌شود و عالم را پر نموده و دعوت‌های آنان قلب‌ها را سیراب نموده و ذهن‌ها را به خود معطوف داشته است، به دلیل این که با دل‌ها و ذوق‌ها و خواسته‌های نهادی مردم هماهنگ است، چنان که اصل دعوت اسلامی هم از همین خصلت پویا برخوردار است.

۳) خطبه‌ی فدکیه‌ی فاطمه زهرا علیها السلام؛ متن دیگری که از علی علیه السلام نقل گردیده و آن حضرت، آن متن را به رشته‌ی تحریر در آورده اند، متن سخنان زهرا علیها السلام به عنوان خطبه‌ی فدکیه است که آن حضرت، این خطبه را در مقابل حکومت ایراد فرموده اند و مشتمل است بر فلسفه‌ی احکام اسلامی و دفاع از حق مسلم خودشان، متنی که جامعیت فراوان دارد و می‌تواند راه گشای مسلمین باشد و رازهای فراوانی را هم بیان فرموده است، این متن را هم علی علیه السلام تنظیم فرموده و با دست مبارکشان نوشته اند (صفا ر قمی، ۱۴۰۴ هـ، ۱۵۰).

۴) صحیفه؛ این کتاب، مشتمل بر احکام دیات است و جرایم مالی را که در جنایت بر نفس یا عضو یا زخم و امثال این‌ها در شریعت معین شده، بیان می‌کند و نیز دیانت را در موارد جنایت خطا و شبه عمد یا آنجا که قصاص وجود ندارد یا امکان قصاص نیست توضیح می‌دهد» (خویی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۶۲). و در صحیح بخاری و صحیح مسلم، از این کتاب، مسائلی نقل گردیده و ابن سعد در جامعه‌ی خود آن‌ها را ذکر نموده و همچنین طبق نقل احمد بن حنبل، این کتاب، متن بسیار مهمی در تعیین مقدار دیه و نوع قصاص است.

۵) کتاب جامعه؛ کتاب دیگری که علی علیه السلام، آن را روی پوست نوشته و به املا‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است، کتاب جامعه می‌باشد. این کتاب در برگزیده‌ی تمام نیازهای مردم در مسائل حلال و حرام است و احکامی در آن بیان گردیده که کلیات آن‌ها در قرآن مجید به صورت اوامر و نواهی آمده است. اهل بیت علیهم السلام از این کتاب تعاریف و توصیفاتی نقل فرموده اند. گاهی آن را به نام مصحف علی علیه السلام و گاهی تحت عنوان کتاب علی علیه السلام، و گاهی تحت عنوان صحیفه‌ی عتیقه از آن یاد فرموده اند. این کتاب، در بسیاری از موارد، مرجع ائمه علیهم السلام بوده است.

ابوبصیر می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم، قربانت گردم، از شما پرسش دارم. آیا در این جا کسی (نامحرم) هست که سخن مرا بشنود؟ امام صادق علیه السلام پرده‌ای را که در میان آنجا و اطاق دیگر بود، بالا زد و آنجا را سر کشید، سپس فرمود: ای ابا محمد هر چه می‌خواهی بپرس. عرض نمودم، قربانت گردم، شیعیان حدیث می‌کنند که پیغمبر صلی الله علیه و آله، به علی علیه السلام بابتی از علم آموخت که از آن هزار باب علم گشوده شد. فرمود: ای ابا محمد، پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی هزار باب علم آموخت که از هر باب آن هزار باب گشوده می‌شد. عرض کردم، به خدا

که علم حقیقی و کامل این است. سپس فرمود: ای ابا محمد، همانا جامعه نزد ماست، اما مردم چه می‌دانند جامعه چیست؟ عرض کردم: قربانت شوم، جامعه چیست؟ فرمود: طوماری است به طول هفتاد ذراع. با املاء زبانی پیامبر صلی الله علیه و آله و دست خط علی علیه السلام، تمام حلال و حرام و همه‌ی احتیاجات دینی مردم، حتی جریمه‌ی خراش در آن موجود است، سپس با دست به بدن من زد و فرمود: به من اجازه می‌دهی ابا محمد؟ عرض کردم: وجودم در اختیار شماست. آنگاه با دست مبارک مرا نشگونی گرفت و فرمود: حتی جریمه‌ی این نشگون در جامعه هست و حضرت خشمگین به نظر می‌رسید، مانند حالتی که طبعاً برای نشگین گیرنده پیدا می‌شود. من عرض کردم به خدا که علم کامل این است (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴-۵).

۶) صحیفه‌ی فرایض؛ در این صحیفه، مجموعه قضاوت‌هایی که امام علی علیه السلام در مورد ارث و جزائیات اسلام داشته اند، تدوین گردیده است. به نظر برخی، این صحیفه، از ملحقات کتاب جامعه محسوب می‌گردد (یوسف مکی، ۱۴۰۴هـ، ۶۵).

۷) کتاب جفر؛ این کتاب هم بر پوست گاوی نوشته شده و به املا‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و دست خط مبارک علی علیه السلام نوشته شده است. این کتاب مشتمل است بر حوادث آینده و صحف انبیای گذشته علیهم السلام و کتاب‌های آسمانی قبل از قرآن (رهبر و صاحبی، ۱۳۷۹، ۱۸۵) در ادامه‌ی روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام، امام صادق علیه السلام چنین فرموده اند: همانا جفر نزد ماست، مردم، چه می‌دانند جفر چیست؟ عرض کردم: جفر چیست؟ فرمود: مخزنی است از چرم که علم انبیا و اوصیا و علم دانشمندان گذشته‌ی بنی اسرائیل در آن است. عرض کردم: همانا علم کامل این است (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۶).

کتاب دیگری هم منسوب به علی علیه السلام است که برخی از آن‌ها اخلاقی، فقهی، معارفی و دعا و مناجات است، مانند منظومه‌ی منسوب به آن حضرت علیه السلام، که به طور کلی مناجات‌های عارفانه‌ی ایشان است، و مانند ادعیه‌ی ای که از آن بزرگوار بر جای مانده است.

ب - متونی که بر اساس خطبه‌ها و فرمایشات آن حضرت گردآوری شده است.

آراء و افکار دیگری از آن حضرت علیه السلام صادر شده و به نحو قطعی الصدور می‌باشد، که امام درصدد گردآوری آن‌ها نبوده اند و پس از شهادت ایشان شخصیت‌های بزرگوار شیعه و عالمان وارسته و الهی، آن‌ها را تنظیم نموده و به رشته‌ی نگارش و تحریر در آورده اند که به برخی از آن‌ها نیز اشاره می‌کنیم.

۱) نهج البلاغه؛ مؤلف نهج البلاغه، شخصیت الهی و وارسته‌ی تاریخ شیعه، ابوالحسن محمد بن حسن موسوی، مشهور به «سید رضی» و «شریف رضی» است که در سال ۳۵۹ هجری دیده به جهان گشود و در سال ۴۰۶ هجری دیده از جهان فرو بست.

ایشان از سوی پدر با پنج واسطه به امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسید و از سوی مادر با شش واسطه به امام چهارم علی بن الحسین علیه السلام می‌رسید (ثعالبی، ۱۴۰۳هـ، ج ۳، ص ۱۵۵). این کتاب شگفت، مجموعه‌ی سخنان، نامه‌ها، خطبه‌ها، حکمت‌ها، اندرزها و کلمات قصار علی علیه السلام می‌باشد. با عملی که سید شریف رضی انجام داد، کتابی شگفت ظهور یافت که از جلوه‌ی وجودی علی علیه السلام، نسخه‌ی منحصر آفرینش و مظهر

همه‌ی کمالات و صفات الهی است. این کتاب گرانسنگ، حاوی والاترین اندیشه‌ها، معارف، توصیه‌ها، اخلاقیات، سیاسیات و اقتصادیات و پیش‌گویی‌ها و اندرزها می‌باشد.

علی علیه السلام به بیانی سخن گفته که سرشار از عصمت است، او با میزان حکمت سخن رانده، سخنی که خداوند بر آن است. شکوه افکنده است، این کلمات به گوش هر کس رسد، او را به شگفتی و حیرت وا می‌دارد. خداوند در سخن گفتن بدو نعمتی ارزانی داشته که توانسته حالات و ملاحظت را یک جا گرد آورد، و سحر بیان و زیبایی فصاحت را با هم در آمیزد. نه می‌توان از آن کلمه‌ای اسقاط نمود، و نه با حجت و دلیلی با آن مسابقت داد. سخن‌گویان را به عجز و ناتوانی کشانده و گوی سبقت از همگان ربوده است. کلمات او الفاظی است که نورانیت نبوت بر آن تأییده و آنچه از وی صادر شده، عقل‌ها و فهم‌ها را متحیر و شگفت زده ساخته است (ابوالمظفر، ۱۴۰۱ هـ، ۱۱۴).

این مجموعه‌ی نفیس و زیبا، به نام نهج البلاغه، که اکنون در دست ما است و روزگار از کهنه کردن آن ناتوان است و گذشت زمان و ظهور افکار و اندیشه‌های نو بر ارزش آن افزوده است، منتخبی از «خطابه‌ها» و «دعاها» و «وصایا» و «نامه‌ها» و «جمله‌های کوتاه» مولای متقیان علی علیه السلام است، که به وسیله‌ی سید شریف بزرگوار «رضی» رضوان الله علیه در حدود هزار سال پیش گردآوری شده است (مطهری، ۱۳۵۴، ۳). در هر حال نهج البلاغه علی علیه السلام، بزرگترین شاهکار معرفتی، علمی و ادبی است و بارزترین نمود زیبایی و فصاحت و بلاغت کلامی است که در تاریخ بشریت صادر شده است. آن حضرت علیه السلام به عظمت کلام خود اشاره می‌فرماید:

ما فرماندهان سپاه سخن هستیم، ریشه‌های درخت کلام زیبا در میان ما رسته و جای گرفته است و شاخه‌های این درخت بر سر ما آویخته گردیده است.

۲) مسند علی علیه السلام؛ که ابو عبدالله عبدالرحمن ابن احمد بن شعیب النسائی، متوفای ۳۰۳ هجری، آن را گردآوری نموده و در بردارنده‌ی آثاری است از امام علیه السلام که به دو صورت می‌باشد، یعنی در دو بخش گردآوری شده است، بخشی که امام علیه السلام، آن‌ها را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرموده اند و بخش دیگر مربوط به کلمات آن حضرت علیه السلام و مشاهداتی است که ایشان آن‌ها را نقل فرموده اند.

۳) غرر و درر آمدی؛ این مجموعه‌ی نفیس را عبدالواحد بن محمد آمدی، جمع‌بندی و تنظیم نموده و در بردارنده‌ی حکم و مواعظ گران سنگی از آن حضرت است که به عنوان عدل موزون قرآن مجید هم نامیده شده است.

۴) صد کلمه (مأة کلمة)؛ که آن را جاحظ گردآوری نموده است.

۵) مطلوب کل طالب، من کلام علی بن ابی طالب، که آن را ابواسحاق و طواط انصاری جمع‌آوری نموده است. این مجموعه، در بردارنده‌ی اندرزها، حکمت‌ها و کلمات قصار حضرت علیه السلام می‌باشد.

۶) نثر اللالی؛ که جمع‌آوری شده توسط مرحوم طبرسی، صاحب مجمع البیان است.

۷) وقعة صفین؛ که به وسیله‌ی نصر بن مزاحم تهیه شده و مشتمل بر مجموعه‌ای از نامه‌ها و خطبه‌های آن حضرت علیه السلام، در نبرد صفین می‌باشد.

۸) صحیفه‌ی علویه؛ که مجموعه‌ی ای است از مناجات‌ها و ادعیه‌ی آن حضرت علیه السلام، که به وسیله‌ی عبدالله بن صالح الساهیجی، جمع‌آوری و تدوین گردیده است.

۹) حنة الاسماء، که آن را ابوحماد محمد بن محمد غزالی، متوفای سنه‌ی ۵۰۵ هجری، شرح و بسط داده است و مفاهیم بلندی را از آن یادآوری نموده است.

۱۰) قلائد الحکم و فرائد الکلم.

۱۱) رساله فی الفقه؛ رساله‌ی ای است در فقه که محمد بن قیس آن را روایت نموده است.

۱۲) عجایب احکامه؛ عجایب احکام علی علیه السلام که نباته آن را نقل نموده است.

۱۳) کتاب فی زکات النعم؛ کتابی در زکات چهارپایان که ربیع بن سمیع آن را نقل کرده است.

۱۴) کتاب فی ابواب الفقه؛ کتابی در ابواب فقه است که علی بن رافع آن را روایت نموده است.

۱۵) کتاب خطب امیرالمؤمنین علی المنابر فی الجمع و الاعیاد و غیرها، که زید بن وهب جهنی آن را تألیف نموده و ظاهراً نخستین کتابی است که در این زمینه نوشته شده است.

۱۶) کتاب خطب امیرالمؤمنین؛ که ابو روح فرج بن فروه، از مسعدة بن صدقه و او هم از امام صادق علیه السلام آن را نقل نموده است.

۱۷) خطب امیرالمؤمنین؛ اسماعیل بن مهران، متوفای ۱۸۹ هجری.

۱۸) خطب امیرالمؤمنین؛ واقدی، متوفای ۲۰۷ هجری.

۱۹) خطب امیرالمؤمنین؛ سید عبدالعظیم بن عبدالله بن زید بن حسن بن علی، که ظاهراً ایشان، همان حضرت عبدالعظیم حسنی می‌باشد.

۲۰) علاوه بر متون یاد شده که توسط شخصیت‌های بزرگ تاریخی و دوست داران آن حضرت به صورت مستقل نوشته شده است، در کتب معتبر شیعه، نظیر اصول کافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه، روایات گوناگونی از آن حضرت علیه السلام نقل گردیده است. همچنین، در کتب بحارالانوار علامه مجلسی قدس سره، وسایل الشیعه حر عاملی قدس سره و کتب گوناگون دیگر در طول تاریخ دیدگاه‌ها و فرمایشات آن حضرت علیه السلام تبیین شده است. این نوشته‌ها مجموعه‌هایی گران سنگ از آن حضرت علیه السلام را در زمینه‌های مختلف برای جوامع بشری به یادگار نهاده اند.

متون متعلق به امام حسن مجتبی علیه السلام

امام مجتبی علیه السلام، علم و ادب و معرفت و فضیلت را از جد و پدر و مادرش به ارث برده و از جمله کسانی است که خداوند، حسن دریافت حقیقت اشیاء را به وی عنایت فرموده و هیچ رمزی بر او پوشیده نمانده است. او نیروی فصاحت علوی و نبوی را یک جا گرد آورده و از پشتوانه‌ی لایتناهی علم الهی برخوردار است. میراث فرهنگی امام مجتبی علیه

السلام نیز فراوان است و با وجود تنگناهای فراوان و فاصله‌ی اندک دوره‌ی امامت، تراوشات فکری آن حضرت علیه السلام بسیار شکوه مند است که به برخی از این مآثر گران سنگ اشاره می‌کنیم.

۱) خطبه‌هایی در الهیات؛ یکی از این خطبه‌ها را که پس از شهادت پدر بزرگوارش ایراد فرموده، حسین بن محمد بن سعید خزاعی در کفایه خودش به نقل از عتبۀ بن ابی ضحاک نقل نموده است. خطبه‌ی دوم را محمد بن علی الصدوق به نقل از ابن الولید و از اشعری، در کتاب توحید صدوق نقل نموده است. خطبه‌ی دیگری را جلد دوم بحار طبع قدیم ص ۱۹۷ نقل نموده و همچنین در توحید صدوق نیز آمده است. خطبه‌های یاد شده، پر از معارف ربوبی با تکیه بر مسائل عمیق الهی است که حقیقتاً فهم آن‌ها نیاز به بررسی‌های طولانی و تفصیلی دارد. مسائلی هم در قضا و قدر و جبر و تفویض و عفو و لطف خدا و در عظمت قرآن به عنوان سرچشمه‌ی شریعت نقل شده است.

۲) خطبه‌ی ای در ولایت؛ که آن را بحار ج ۵ ص ۳۱۵ و علل الشرایع نقل نموده اند. خطبه‌ی ولایت، مشتمل بر مضامین ولایی بسیار ممتاز و بلندی است که نیاز به تفسیر دارد.

۳) خطبه‌ی ای در عبادات؛ این خطبه‌ها را ارشاد القلوب دیلمی و تحف العقول بحرانی نقل نموده اند و در این خطبه‌ها به نوعی فلسفه‌ی احکام مورد اشاره قرار گرفته است.

۴) خطبه‌هایی در مواعظ؛ این خطبه‌ها را اعیان الشیعه سید محسن امین عاملی و تحف العقول نقل نموده اند.

۵) خطب اخلاقی؛ که در بدایه و نهایه ابن کثیر ج ۳ نقل شده است.

۶) خطبه‌های سیاسی؛ که پس از شروع دوره‌ی امامتشان این خطبه‌های سیاسی را بیان نموده اند. این خطبه‌ها در تاریخ یعقوبی ج ۲ و ناسخ التواریخ و در کتاب جمل بخش استنصارهای سیاسی حضرت علیه السلام نقل گردیده است.

خطبه‌های سیاسی آن حضرت علیه السلام، حاوی اشاراتی راه‌گشاست. پیوند حقوق و سیاست امور واجب بر حاکمان جامعه، روشنگری‌های سیاسی برای جامعه که فریب نیرنگ‌ها و دغل کاری‌ها را نخورند و این که امامان علیهم السلام، پشتوانه و استوانه‌ی اصلی و معیار حق در تصمیم‌گیری‌هایند و نیز اموری که بر مردم در رابطه با زمامداران ضروری و لازم است. آماده‌سازی فکر و اندیشه‌ی جامعه برای ورود به عرصه‌ی سیاست الهی و نیز تبیین ماهیت دشمن، از جمله اموری هستند که در خطبه‌های سیاسی آن حضرت علیه السلام، که در انبار و کوفه و مدائن ایراد گردیده است (شیرازی، بی تا، ۱۷۵).

این نکته را نباید مکتوم نهاد که امام علیه السلام در راه مبارزه و جنگ با معاویه مصمم و قاطع بودند و مضامین قاطعی در تبیین فساد دستگاه خلافت و علل پیدایش فساد آن‌ها مورد اشاره‌ی آن حضرت علیه السلام قرار گرفته است. اما برخورد نامناسب مردم عراق، نشان دادن روحیه‌ی ضعف و قرار گرفتن در موضعی انفعالی در برابر دستگاه حکومت معاویه، آن حضرت علیه السلام را رها گذاشته و ماجرای صلح آن حضرت علیه السلام را ایجاد کردند. دقت در مضامین صلح‌نامه‌ی آن حضرت علیه السلام بسیار قابل توجه است که نشانه‌ی زیرکی، فطانت، هشیاری و بهره‌بردن از علوم الهی می‌باشد (ابن اعثم، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۸).

منبع: اندیشه‌ی حوزه، شماره‌ی ۷۴